

الزامات شناسایی و استیفای حقوق «در فضای دیجیتال»

محدثه معینی فر^{*۱}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: 10.22034/qjplk.2021.248

چکیده

موضوع «حق» به ویژه حقوق بشر در نظام حقوقی کشورهای مختلف جایگاه ویژه‌ای یافته است و هر روز نیز به سبب گسترش و توسعه فناوری‌ها، بر تعداد این حق‌ها در حقوق کشورهای مختلف افزوده می‌شود که مفهوم و مصادیق آن‌ها نیز اغلب در هاله‌ای از ابهام است. یکی از این حق‌ها، «حق‌ها در فضای دیجیتال» هستند که مفهوم، ماهیت و مصادیق آن در نظام‌های حقوقی مذکور چندان روشن نیست. بر همین اساس، پژوهش پیش‌رو می‌کوشد تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد که مفهوم و ماهیت «حق‌ها در فضای دیجیتال» چیست و مصادیق آن شامل چه مواردی است؟

«حق‌ها در فضای دیجیتال»، حق‌هایی هستند که در اینترنت و سکوه‌های نرم‌افزاری مختلف بستر تحقق و استیفا می‌یابند و با توجه به ابعاد مختلف این فناوری‌ها مصادیق متعددی دارند. البته در متون حقوقی، به مصادیق خاصی اشاره شده است که به شدت تحت تأثیر ادبیات حقوق بشری است. با نگاهی دقیق درمی‌یابیم برخی از این مصادیق وجهه شرعی ندارند، مانند حق ابراز تمایلات جنسی در اینترنت؛ همچنین در این فهرست، جای بسیاری از حق‌ها خالی است. تبیین درست مفهوم و مصادیق آن، بستر تحقق شهروندی دیجیتال و دولت الکترونیک را فراهم خواهد آورد.

واژگان کلیدی: اینترنت، حق دیجیتال، دولت الکترونیک، شهروندی دیجیتال، فضای مجازی.

استادیار فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

* Email: Moeinifar@isr.ikiu.ac.ir



مقدمه

با توجه به تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر نظارت و مدیریت بر فضای مجازی یا رسانه‌های اجتماعی توجه ویژه به چند مفهوم مهم و کارکردهای آن در عرصه حقوق عمومی ضروری است؛ بنابراین، رصد فعالیت‌های مردم به‌ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان در فضای مجازی لوازمی دارد که بخشی از آن در حوزه نظریه‌پردازی مدنظر قرار می‌گیرند، مانند «حق‌ها در فضای دیجیتال»^۱ و شهروندی دیجیتال و برخی نیز در حوزه سیاستگذاری‌ها و ابزارهای تحقق آن‌ها ملاحظه خواهند شد. موضوع حق و نظریه‌های حق از مباحث عمده‌ای است که در عصر کنونی، بسیار به آن توجه می‌شود. با مطالعه متون حقوقی درمی‌یابیم که از همین منظر نیز به حق‌های افراد در حوزه فناوری‌های نوین ارتباطی نگاه شده و فهرستی طولانی از این حق‌های بدون پشتوانه ارائه شده است.

موضوع تحقق دولت الکترونیک نیز از مباحثی است که در حکمرانی نوین بر جامعه اهمیت دارد. پرداختن به موضوعاتی چون «حق‌ها در فضای دیجیتال» و شهروندی دیجیتال از لوازم تحقق دولت الکترونیک است. با توجه به ابعاد سه‌گانه مذکور، سؤال اساسی پژوهش درباره مفهوم و ماهیت «حق‌ها در فضای دیجیتال» و مصادیق آن است. همچنین این پژوهش بر این فرضیه مبتنی است که «حق‌ها در فضای دیجیتال»، حق‌هایی هستند که به‌واسطه بستر تحقق به این نام خوانده شده‌اند و مصادیق شرعی بسیاری دارند.

۱. مفهوم «حق‌ها در فضای دیجیتال»

هرچند درباره مفهوم «حق‌ها در فضای دیجیتال» وفاقی وجود ندارد، اما حق‌ها در حوزه دیجیتال به دو طریق مطرح می‌شوند: برخی با شعار «حقوقی که افراد در برون‌خط (آفلاین) دارند، باید برخط (آنلاین) نیز محافظت شوند»، تمام حق‌هایی را که فرد بدون ارتباط با اینترنت دارد، در فضای مجازی و برخط برای آن‌ها ملاحظه می‌کنند. برخی نیز از حق‌های نوین در این عرصه با عنوان «حق‌ها در فضای دیجیتال» یاد می‌کنند (Livingstone & Third, 2017: 659). البته شاید بهتر باشد که میان این دو نظریه جمع کرد و مصادیق «حق‌ها در فضای مجازی» را اعم از هر دو دانست.

«حق‌ها در فضای دیجیتال» آن دسته از حقوق بشرند که در ارتباط با اینترنت طرح می‌شوند. با بررسی متون حقوقی می‌توان اذعان کرد «حق‌ها در فضای دیجیتال» مفهوم

مشخصی ندارند و دامنه آن از «مدیریت حق‌ها در فضای دیجیتال»^۲ تا «حق‌های بشری در فضای دیجیتال»^۳ گسترده شده است. «مدیریت حق‌ها در فضای دیجیتال» مفهومی عام است که حمایت از حق تکثیر صاحبان آثار به‌ویژه صنعت سرگرمی را در استفاده از فناوری‌هایی در برمی‌گیرد که مانع تکثیر غیرقانونی آثار می‌شوند (Kim, 2008: 343; Ludlow & Duff, 2007: 94) و برخی نیز آن را محدود به نرم‌افزارهایی^۴ می‌دانند که برای هدف مذکور به‌کار می‌روند (Resnick, 2005: 1735; Kumik, 2001: 21)؛ اما بخش دوم این حق با عنوان حق‌های بشری در فضای دیجیتال شامل حق دسترسی به دستگاه‌های الکترونیکی و شبکه‌های ارتباط از راه دور (اینترنت)، حق حفاظت از داده‌های شخصی، حق حفظ اطلاعات هویتی، حق ناشناس ماندن، حق فراموش شدن، حق انتقال و انتشار رایگان اطلاعات و غیره است (Verlos, 2020: 133). به این موارد باید مصادیق دیگری را نیز افزود، مانند حق آزادی بیان، حق حریم خصوصی، حق دانستن، حق آموزش، حق تجمع، دسترسی به سکوها‌های نرم‌افزاری (مانند فیس‌بوک، توئیتر و غیره)، فضای امن برخط، حق امنیت، حق برابری و غیره. با توجه به تعاریف مختلف فضای مجازی می‌توان ابعاد دیگری را به مفهوم «حق‌ها در فضای دیجیتال» افزود. البته می‌توان «حق‌ها در فضای دیجیتال» را همان حقوق مدنی دانست که محل تحقق و استیفای آن، فضای مجازی است یا گام را فراتر نهاد و آن را حق ابراز وجود در فضای دیجیتالی امن، خصوصی و پایدار تلقی کرد. همچنین می‌توان «حق‌ها در فضای دیجیتال» را حقوق ذاتی بشر شامل دسترسی برابر و صرف‌نظر از سن، نژاد و جنسیت به زیرساخت‌ها و اطلاعات دانست. «حق‌ها در فضای دیجیتال» ضمن محافظت از انسان در برابر خصوصی‌سازی، انحصارطلبی و تجاری‌سازی دیگران، حق نظارت، خودآیینی و اختیار انسان را تضمین می‌کند.^۵ البته می‌توان «حق‌ها در فضای دیجیتال» را شامل موارد دیگری چون حق حریم خصوصی، حق آگاهی، حق دانستن، حق آموزش، حق دسترسی برابر به امکانات و اطلاعات، حق آزادی بیان، حق سلامت، حق امنیت، حق شادی و بازی و غیره دانست. برخی از این حقوق را شاید نتوان در زمره «حق‌ها در فضای دیجیتال» دانست، اما در ارتباط با فضای دیجیتال قابل طرح هستند. هرچند تعریف به مصادیق می‌تواند از اقسام تعریف به‌شمار رود، عدم تبیین معنای درست «حق‌ها در فضای دیجیتال» می‌تواند طرح مباحث آتی را با مشکل جدی روبه‌رو کند. با توجه به پیشینه طرح موضوع «حق‌ها در فضای دیجیتال» و آغاز حرکت آن از آمریکا و توجه ویژه به موضوع

مدیریت حق‌ها در فضای دیجیتال، باید اذعان کرد سیر تبیین مفهوم و مصادیق آن چندان روشن نیست و درباره مفهوم آن اتفاق نظری وجود ندارد.

در نهایت، می‌توان با جمع دیدگاه‌ها، «حق‌ها در فضای دیجیتال» را حق‌هایی دانست که بستر تحقق آن‌ها فضای برخط و لوازم تحقق آن نیز دسترسی به اینترنت، سکویای نرم‌افزاری و دستگاه‌هایی چون رایانه، تبلت‌ها، لپ‌تاپ‌ها و گوشی‌های هوشمند است و می‌تواند به تمامی ابعاد مختلف زندگی انسان تسری یابد و ابعاد واقعی زندگی بشر را به فضای دیجیتال یا مجازی وارد کند.

۲. پیشینه «حق‌ها در فضای دیجیتال»

پیش از این، مباحثی درباره حق افراد در استفاده از وسایل ارتباطی و رسانه‌ها^۶ متناسب با پیشرفت فناوری‌های مذکور طرح شده است که در ادامه با به عرصه آمدن اینترنت و توسعه آن به همراه تولید گوشی‌های هوشمند و تبلت‌های لمسی می‌توان از «حق‌ها در فضای دیجیتال» به عنوان حق‌های نوین و متناسب با فناوری یاد کرد.

«حق‌ها در فضای دیجیتال»، در ابتدا در قالب حق نشر و پس از شکل‌گیری جنبش حقوق دیجیتال در ایالات متحده در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، با پیشنهاد و تصویب قانون حق نشر هزاره دیجیتال^۷ در سال ۱۹۹۸ مطرح شدند، زیرا با به عرصه آمدن اینترنت، بخشی از تجارت به این حوزه وارد شده است که در اصطلاح به آن، تجارت الکترونیک گفته می‌شود. عرضه محتوای الکترونیک، موج دیگر تجارت الکترونیک بود. با عرضه محتوای الکترونیک، تبلیغات اینترنتی و فروش و تحویل برخط محصولات، ابعاد این حق پیچیده‌تر شد. به همین سبب، مدیریت حق‌ها در فضای دیجیتال علاوه بر عرضه و فروش محتوای دیجیتال، شامل تحویل برخط محصولات نیز می‌شود که نوید دستیابی به افق‌های نوین تجارت را در خود دارد (Kumik, 2001: 21). مدیریت حق‌ها در فضای دیجیتال در صنعت موسیقی و فیلم نقش بسیار مهمی دارد (سیامک، ۱۳۸۸: ۲۵۸) و بازار رقابت را در این دو حوزه تنظیم می‌کند.

پس از این، زمره‌هایی برای تدوین پیش‌نویس جهانی صیانت از حق‌ها و آزادی‌های برخط افراد به وجود آمد و بسیاری از کشورها چون فرانسه، برزیل، ایتالیا و فیلیپین قوانین خود را تغییر دادند (Livingstone & Third, 2017: 658-659) و چند سند منطقه‌ای درباره «حق‌ها در فضای دیجیتال» نگاشته شدند، مانند اعلامیه آفریقا در مورد حق‌ها و آزادی‌های اینترنتی^۸،

اعلامیه اصول حاکم بر اینترنت^۹، منشور حقوق در فضای دیجیتال^{۱۰} و منشور حقوق اساسی دیجیتال اتحادیه اروپا^{۱۱} و غیره. تلاش‌های فزاینده در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی نشان‌دهنده جایگاه کشورها در حوزه حاکمیت بر اینترنت و اعمال قدرت در آن است که البته نیازمند سیاستگذاری در سطوح ملی است (Redeker et al., 2018: 315).

در سال ۲۰۱۶ در اتحادیه اروپا قانونی با عنوان مقررات حفاظت از داده‌ها^{۱۲} به تصویب رسید که قانون پیشین حفاظت از داده‌ها (95/46/EC) را به‌روز کرد و هدف آن، حمایت از حقوق اساسی شهروندان به‌ویژه حق حریم خصوصی، حق حفاظت از داده‌های شخصی، حق دسترسی به اطلاعات و داده‌های شخصی و حق اصلاح یا حذف داده‌های شخصی موجود بود (Macenaite, 2017: 766).

با وجود همه تلاش‌ها برای عملی کردن حمایت از حق‌های افراد در عصر دیجیتال در قوانین گذشته به‌جز قانون مذکور، حق‌های کودکان در فضای مجازی چندان مورد توجه نبوده و عمده تمرکز این کشورها بر حق‌های افراد بالغ بوده است؛ درحالی‌که توجه به حق‌های کودکان به‌عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر می‌تواند نیازهای آن‌ها را مرتفع کند. براساس پژوهش‌های مختلف (Livingstone & Third, 2017: 666)، حضور و فعالیت در فضای مجازی بر یادگیری رسمی و غیررسمی، سلامت و رفاه، سواد رسانه‌ای، مشارکت سیاسی و مدنی، بازی و تفریح، هویت، احساس تعلق، روابط با همالان، خانواده و روابط بین‌نسلی، تاب‌آوری فردی و اجتماعی و سبک مصرف کودکان تأثیرگذار است.

۳. ماهیت «حق‌ها در فضای دیجیتال»

برخی حقوقدانان آن‌ها را صرفاً حقوق فردی می‌دانند. گروه دوم، از فردی بودن حق‌ها به‌سوی حق‌های جمعی یا حق‌های نسل سوم حرکت کرده‌اند. گروه سوم موضوع این حق‌ها را انسان‌ها نمی‌دانند، بلکه موضوع را داده یا اطلاعات در نظر می‌گیرند و در نتیجه، روش‌های مختلف مدیریت و نظارت فضای مجازی را در ارتباط با تولید داده‌ها درباره افراد یا تولید داده‌ها توسط خود آن‌ها را با رویکردی نظری و کاربردی بررسی می‌کنند (Livingstone & Third, 2017: 666).

درباره ماهیت «حق‌ها در فضای دیجیتال» می‌توان از منظری دیگر هم نگاه کرد که بتوان در فرایند این مقاله از آن بهره برد. از این دیدگاه، می‌توان بیشتر مصادیق «حق‌ها در فضای

دیجیتال» را حق آمیخته به تکلیف فرض کرد تا بتوان از شهروندی دیجیتال و تکالیف و مسئولیت‌های شهروندان نیز سخن گفت. به نظر می‌رسد حق محض دانستن «حق‌ها در فضای دیجیتال» تنها مدیریت این عرصه را برای دولت سخت می‌کند. هرچند تمتع و استیفای هر حق مشروعی، حق آحاد جامعه است، استیفای حق‌ها باید در چارچوب درستی محقق شود تا سایرین و جامعه از استیفای این حق‌ها صدمه نبینند.

۴. مصادیق «حق‌ها در فضای دیجیتال»

آنچه تاکنون در متون حقوقی درباره «حق‌ها در فضای دیجیتال» دیده می‌شود، اغلب مصادیقی پراکنده از حق‌های فردی هستند که فارغ از ماهیت «حق‌ها در فضای دیجیتال» برشمرده‌اند. برخی از این مصادیق، لوازم تحقق «حق‌ها در فضای دیجیتال» یا به تعبیر هوفلد از «حق‌های برتر» هستند که تا وجود نداشته باشند، سایر حق‌ها بستر تحقق نخواهند یافت. حق‌هایی که در ذیل می‌آیند، از مصادیق «حق‌ها در فضای دیجیتال» نیستند، بلکه از لوازم مادی و معنوی تحقق حق‌های مذکور به‌شمار می‌روند:

- حق دسترسی به اینترنت

کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد این حق را در سال ۲۰۱۶ به رسمیت شناخت (Bulger *et al.*, 2017: 751) که شامل کیفیت خدمات، آزادی در انتخاب سکویهای نرم‌افزاری و استفاده از نرم‌افزار، اطمینان از شمول دیجیتال^{۱۳} و بی‌طرفی و برابری و عادلانه بودن شبکه برای مصرف‌کنندگان است (Anonymous, 2014: 13)؛

- حق امنیت در اینترنت که شامل امنیت در برابر انجام جرائم و بدافزارهای اینترنتی است (Anonymous, 2014: 15)؛

- حق دسترسی به ابزارها و دستگاه‌های مورد نیاز برای اتصال به اینترنت (Redeker *et al.*, 2018: 311)؛

- حق آموزش در اینترنت و درباره آن شامل حق آموزش در اینترنت و آموزش درباره اینترنت و حقوق بشر (Anonymous, 2014: 20).

- حق دسترسی، استفاده و مدیریت برابر و بدون تبعیض اینترنت

- حقوق مصرف‌کننده (Anonymous, 2014: 25)؛

- حق حریم خصوصی.

برخی (Roberts, 2015: 545; Albury, 2017: 716) حق حریم خصوصی را از مصادیق «حقها در فضای دیجیتال» نمی‌دانند و حتی استیفای آن را در تزامن با «حقها در فضای دیجیتال» دیده‌اند. بر این اساس، استیفای «حقها در فضای دیجیتال» قدرت مداخله را در اختیار دولت یا هر نهاد خصوصی یا دولتی قرار می‌دهد تا در امور شخصی افراد دخالت کنند و محافظت از شخصیت فرد در فضای مجازی، حق ناشناس ماندن، استفاده از رمزگذاری^{۱۴} و آزادی از نظارت و افترا از مصادیق حق حریم خصوصی است (Anonymous, 2014: 18).

در مقابل، برخی (Bulger et al., 2017: 752) درک از حق حریم خصوصی را تا حد استفاده خصوصی از رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی به‌ویژه تلفن‌های هوشمند متصل به اینترنت در اتاق خواب یا فرهنگ اتاق خواب^{۱۵} توسعه داده و استیفای حق مشارکت برخط کودکان را شامل حفظ حریم خصوصی و محافظت در برابر مداخله سرپرستان کودک دانسته‌اند (Bulger et al., 2017: 759). البته بهتر است فارغ از این اختلاف، حق حریم خصوصی را از لوازم تحقق «حقها در فضای دیجیتال» برشمرد؛ یعنی از لوازم استیفای تام و تمام «حقها در فضای دیجیتال»، محدودیت در دسترسی افراد به اطلاعات دیگران است.

- حق فراموش شدن^{۱۶} یا حق ناشناس ماندن^{۱۷}

برخی حق فراموش شدن را از مصادیق حق حریم خصوصی تلقی کرده‌اند، اما عده‌ای دیگر آن را حقی مستقل می‌دانند. البته به‌نظر می‌رسد این حق از مصادیق حق حریم خصوصی و با هدف توانمندسازی کودکان و بالغان باشد، زیرا اطلاعات شخصی موجود در اینترنت که در جهان قابلیت دسترسی و جست‌وجو دارد، به‌راحتی قابل حذف نیستند. بر همین اساس، در صورت جمع‌آوری داده‌ها براساس رضایت فرد، افراد می‌توانند برای حفظ شخصیت و شهرت خود، حذف اطلاعات شخصی خود را از تارنماها درخواست کنند. استثنائات این حق استیفای حق آزادی بیان و انجام پژوهش‌های علمی و تاریخی است (Macenaite, 2017: 770).

حکم دیوان عدالت اتحادیه اروپا در پرونده گوگل و اسپانیا نیز در این زمینه است که افراد حق دارند در شرایط خاص از موتورهای جست‌وجو بخواهند پیوندهای حاوی اطلاعات شخصی نادرست آن‌ها را حذف کنند. البته این حکم مباحث گسترده‌ای را به‌وجود آورده است، زیرا تأثیر منفی بر استیفای حق دسترسی به اطلاعات و حق آزادی بیان دارد.

استیفای این حق توسط کودکان ممکن است مشکلات بیشتری را ایجاد کند، زیرا با گذشت زمان، کودکی ناشناس ممکن است به شخصیتی رسمی و چهره عمومی بدل شود و در نتیجه، داده‌های او دیگر خصوصی (ارزش حذف دارد) نباشند و به منافع عمومی ارزشمند (ارزش حفظ دارد) تبدیل شوند (Macenaite, 2017: 770).

– حق حفظ و نگهداری داده‌ها یا محرمانگی داده‌ها

هرچند برخی (Roberts, 2015: 545) حق محرمانگی داده‌ها را مصداق «حق‌ها در فضای دیجیتال» نمی‌دانند، ولی می‌توان آن را در زمره «حق‌ها در فضای دیجیتال» یا حداقل حق حریم خصوصی یا از مظاهر آن در فضای دیجیتال فرض کرد. اما سایر مصادیق را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) حقوق سیاسی: «اختیار شخص برای شرکت در قوای عمومی و سازمان‌های دولتی است، مانند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس قانونگذاری و پذیرفتن تابعیت» (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۵۵). در متون موجود، حق مشارکت در فضای دیجیتال^{۱۸} (Bulger et al., 2017: 752)، حق تجمع و حق حضور یا عدم حضور در فضای مجازی^{۱۹} (Alper & Goggin, 2017: 731) از مصادیق این حق در اینترنت برشمرده شده‌اند که حق مشارکت در انتخابات، حق بهره‌مندی از فضای اینترنت برای تبلیغات و رقابت‌های انتخابی و سایر موارد را هم می‌توان به آن افزود.

ب) حقوق عمومی: «حق عمومی مربوط به شخصیت انسان و ناظر بر روابط دولت و مردم است، مانند حق حیات» (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۵۵). مصادیق این حق در عرصه دیجیتال شامل موارد زیر است:

– **حق فرهنگی و کسب دانش در اینترنت** که شامل مواردی چون حق شرکت در زندگی فرهنگی جامعه، تنوع زبانی و فرهنگی، حق تکلم به زبان مادری، حق عدم محدودیت در دسترسی به دانش از طریق مجوزها و حق چاپ، حق کسب دانش عمومی و دسترسی آزاد و رایگان به نرم‌افزارها و وجود استانداردهای باز در این باره است (Anonymous, 2014: 20).

– حق قابلیت انتقال داده

کاربران اینترنت بر این اساس می‌توانند داده‌های شخصی خود را از یک ارائه‌دهنده خدمات به سرویس‌دهنده دیگر انتقال دهند. طبق دیدگاه کمیسیون اروپا، این حق باید به نفع

اشخاص و شرکت‌ها باشد، زیرا شرکت‌های نوپا و کوچک از این طریق می‌توانند به بازارهای داده تحت سلطه شرکت‌های بزرگ دیجیتال مانند فیس‌بوک دسترسی یابند و مصرف‌کنندگان بیشتری را با ارائه راهکارهای مناسب برای حفظ حریم خصوصی جذب کنند. این کار با ایجاد تنوع افراد را قادر می‌سازد تا سکوه‌های نرم‌افزاری را انتخاب کنند که حریم خصوصی آن‌ها را بیشتر حفظ می‌کند (Macenaite, 2017: 770).

- حق دسترسی به عموم مردم در فضای دیجیتال^{۲۰}

این حق به‌عنوان یکی از مصادیق «حق‌ها در فضای دیجیتال»، به معنای «شنیده شدن و دیده شدن در فضای عمومی است که هرچند حقی جهانی نیست، استیفای آن به شرایط اجتماعی و اقتصادی وابسته است» (Albury, 2017: 722). البته از این حق تعبیر دیگری هم وجود دارد که در مورد کودکان با عنوان حق شنیده شدن آنان^{۲۱} مطرح شده و از نظر ماهیت، با همدیگر متفاوت‌اند. منظور از این حق، مشورت گرفتن از کودکان در امور مربوط به خود اوست، مثل استفاده از عکس آن‌ها در پروفایل والدین یا نظارت بر آن‌ها در فضای مجازی.

- حق آزادی شامل انواع آزادی مانند آزادی مذهب، آزادی شرکت در مجامع و انجمن‌ها، آزادی بیان (Bulger&others, 2017: 752)، آزادی اعتراض آنلاین، آزادی و رهایی از سانسور، آزادی از سخنان نفرت‌انگیز و در نهایت آزادی رسانه‌هاست (Anonymous, 2014: 16).

- حق توسعه و پیشرفت در اینترنت شامل کاهش فقر، پیشرفت و رشد فردی و پایداری محیط زیست (Anonymous, 2014: 15).

- حق دسترسی آزاد به اطلاعات (Bulger et al., 2017: 752).

- حق حفاظت در برابر نظارت دولت^{۲۲} (Anonymous, 2014: 16).

- حق دسترسی به امکانات و ابزار اینترنتی برای اداره امور زندگی مانند امور بانکی (Anonymous, 2014: 16).

- حق عدالت داده^{۲۳}

هرچند نظریه‌پردازان عدالت داده، مخالف طرح آن در قالب حق هستند (Taylor, 2017: 7)، اما به‌عنوان یکی از مصادیق «حق‌ها در فضای دیجیتال» مطرح شد تا امکان بررسی آن فراهم شود. عدالت داده با برخی مشکلات پیچیده چندبعدی مانند عدالت اقلیم، تروریسم و فقر مرتبط است که به‌عنوان مشکلات فوق‌شورور شناخته می‌شوند. توضیح مفهوم عدالت داده از

سه طریق زیر ممکن است: نخست، کاربرد داده‌ها برای حاکمیتی که حامی عدم موازنه قدرت است؛ دوم، روش‌هایی که داده- فناوری‌ها با نمایش بیشتر فقر زمینه گسترش عدالت توزیعی را فراهم می‌کنند؛ سوم، نحوه نظارت بر داده‌ها که بر عملکرد سازمان‌های خواهان عدالت اجتماعی مؤثرند (Taylor, 2017: 6).

هدف عدالت داده، طراحی پایگاه داده مبتنی بر اصول ضد تبعیض، نحوه انتشار داده برای دستیابی به ارتباط، مشارکت و حضور عادلانه‌تر و عدم انتشار داده‌ها برای حمایت از فعالیت‌های سازمان‌هایی است که در پی تحقق عدالت اجتماعی‌اند (Taylor, 2017: 8). عدالت داده دارای سه رکن اساسی در دیدرس بودن، استفاده یا عدم استفاده از فناوری و مقابله با تبعیض مبتنی بر داده است که رکن نخست با حریم خصوصی و حضور در فضای مجازی در ارتباط است؛ رکن دوم با حمایت از رشد و پیشرفت انسان و امکان دسترسی به فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی، توسعه فناوری‌های تولید داده و تجزیه و تحلیل و آزادی‌های مرتبط به این حوزه مانند آزادی در استفاده یا عدم استفاده از برخی فناوری‌ها و تبدیل شدن به بخشی از پایگاه داده‌های تجاری به‌عنوان محصول جانبی در فرایند توسعه مربوط است؛ رکن سوم (عدم تبعیض) از دو بخش قدرت شناسایی و به چالش کشیدن سوگیری در استفاده از داده‌ها و آزادی از تبعیض تشکیل شده است (Taylor, 2017: 9-10).

- حق اشتغال در اینترنت شامل احترام به حقوق کارگران، دسترسی به اینترنت در محل کار و اشتغال در اینترنت و کسب درآمد از طریق آن (Anonymous, 2014: 24).
- حق مشارکت آنلاین در امور عمومی شامل حق دسترسی برابر به خدمات الکترونیک و حق بهره‌مندی از دولت الکترونیک (Anonymous, 2014: 24).
- حق سلامت و بهره‌مندی از خدمات اجتماعی بر خط که تنها مصداق آن را دسترسی به محتوای حوزه سلامت دانسته‌اند (Anonymous, 2014: 25). البته ابعاد حق سلامت در ارتباط با فضای مجازی بسیار گسترده‌تر است.
- حق جبران خسارت و دادرسی عادلانه برای اقدامات در اینترنت شامل حق جبران خسارت، حق محاکمه عادلانه و حق رعایت تشریفات قانونی (Anonymous, 2014: 25).

- حق برخورداری از برقراری نظم اینترنتی در عرصه اجتماعی و بین‌المللی شامل حاکمیت اینترنت برای استیفا و تحقق حقوق بشر، لزوم چندزبانی و کثرت‌گرایی در اینترنت و مشارکت مؤثر در حاکمیت بر اینترنت (Anonymous, 2014: 26).

ج) حقوق خصوصی: «اختیاری است که هر شخص در برابر دیگران دارد، مانند حق حاکمیت» (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۵۶). حق کنترل داده‌های شخصی و خودتعیینی^{۲۴} و حق ابراز تمایلات جنسی^{۲۵} در زمره این گروه هستند. بر همین مبنا، برخی دامنه «حق‌ها در فضای دیجیتال» را به ابراز تمایلات جنسی یا بازنمایی جنسی خود^{۲۶} یا خودنمایی جنسی یا عرضه جنسی (اعم از فردی و جمعی) در فضای مجازی یا دیده شدن جنسی^{۲۷} نیز گسترده‌اند و در عین حال، از حفظ حریم خصوصی افراد در مسائل جنسی سخن می‌گویند (Albury, 2017: 718). نمونه بارز این «بازنمایی جنسی خود» با عنوان «sexting» شناخته می‌شود که به معنای تبادل عکس‌ها و پیام‌هایی با محتوای جنسی در گوشی‌های هوشمند یا سکویهای نرم‌افزاری است (Albury, 2017: 719) که در ایران نیز از آن به «سکس چت یا رابطه جنسی مجازی» تعبیر می‌شود. از منظر حامیان ملاحظه حق ابراز تمایلات جنسی به‌عنوان «حق‌ها در فضای دیجیتال»، این بازنمایی جنسی با انتقادهایی در جامعه روبه‌رو می‌شود که مانع استیفا آن‌ها می‌شوند؛ به بیان دقیق‌تر، «حق مشارکت زنان جوان در زندگی دیجیتال و ایفای نقش در فضای دیجیتال، به دلیل احتمال قرار گرفتن در معرض خطرها، از بین رفته و از بین می‌رود. تنها راهکار دفاعی در برابر این هجمه عمومی، عقب‌نشینی و پرهیز از اظهار تمایلات جنسی در فضای دیجیتال است. زنان و دختران جوان در چارچوب‌های کنونی آموزش، به‌عنوان شهروندان جنسی (یا دیجیتال) که دارای حقوق و تکالیف هستند، خطاب نمی‌شوند، بلکه به‌عنوان افراد «در معرض خطر» معرفی می‌شوند که از «عواقب» اجتناب‌ناپذیر اعمال خود بی‌اطلاع‌اند» (Albury, 2017: 719).

این دیدگاه با آنچه به‌عنوان حق جنسی یا حق سلامت جنسی در اسناد بین‌المللی تعریف شده است، تعارض جدی دارد، زیرا «در اسناد بین‌المللی حق سلامت جنسی به معنای حفاظت از فرد در برابر هر گونه سوءاستفاده و بهره‌کشی جنسی در خانواده یا خارج از آن و برخورداری از آموزش‌های مناسب در ارتباط با استیفای حق جنسی و حق فرزندآوری است» (Alper & Goggin, 2017: 733).

از این دیدگاه، با اینکه فضای دیجیتال فرصت‌های جدیدی را برای مشارکت جنسی فردی و جمعی و ابراز صمیمیت فراهم می‌کند، اما دامنه وسیعی از تهدیدها در آن مانند ارتباط‌های موازی و سوءاستفاده از تصاویر به اشتراک گذاشته شده است، نه تنها برای تخریب وجهه فرد، بلکه برای تضعیف مدیریت وی بر خود و امور مربوط به خود وجود دارند. این موارد پارادوکس‌های ناشی از تحول هنجارهای اجتماعی‌اند که فرهنگ‌های جنسی نوظهور را در عصر دیجیتال احاطه کرده‌اند (Alper & Goggin, 2017: 721). البته غیر از این مصادیق مرسوم می‌توان به مصادیق دیگری هم اشاره کرد که شاید در ابتدا جزو مصادیق آن به حساب نیایند، اما در واقع از مصادیق آن خواهند بود. در این مرحله، به برخی مصادیق این حق برای کودکان اشاره می‌شود که شامل «حق بهره‌مندی از اینترنت، حق عدم سوءاستفاده از کودکان و حق شنیدن نظرهای آنان» (Anonymous, 2014: 22) و حق محافظت از کودک است. البته حق هویت، حق بازی و حق تفریح و سرگرمی برای کودکان و حق دانستن برای افراد بالغ و کودکان نیز در فضای مجازی مطرح است که در اینجا فقط به یکی از مصادیق مهم آن اشاره می‌شود.

– حق محافظت از کودک^{۲۸}

پیش از پرداختن به مفهوم حق محافظت برخی اصطلاحات توضیح داده می‌شود. اصطلاح نظارت بر داده‌ها^{۲۹} به جمع‌آوری اطلاعات در شکل داده اشاره دارد که هم‌اکنون با توجه به سطح دانش و رضایت افراد، به‌طور مکرر با استفاده از فناوری‌های دیجیتال انجام می‌گیرد. انواع این جمع‌آوری به حسب فرد جمع‌آوری‌کننده می‌تواند شامل این موارد باشد: نخست، خود افراد، نظارت داوطلبانه را با استفاده از دستگاه‌ها و نرم‌افزارهای ردیابی انتخاب کنند؛ دوم، «نظارت صمیمانه» یا نظارت بر سایر افراد که روابط نزدیک شخصی (مانند اعضای خانواده و زوجین) با آنان دارند؛ سوم، افراد با حضور در رسانه‌های اجتماعی و بارگذاری مشخصات و تصاویر شخصی خود (ایجاد پروفایل^{۳۰}) در سکوه‌های نرم‌افزاری مانند فیس‌بوک، توییتر، یوتیوب، لینکدین، تامبلر، اینستاگرام و غیره دیگران را به تماشای آن‌ها دعوت می‌کنند که این نظارت توافقی و متقابل را «نظارت اجتماعی یا مشارکتی» نامیده‌اند (Lupton & Williamson, 2017: 781).

کودکان نیز موضوع روش‌های متکثر نظارت دیجیتالی^{۳۱} هستند که جزئیات زندگی آن‌ها را ثبت می‌کنند. هرچند امکان مشارکت کودکان در این فرایندها وجود دارد، در بیشتر مواقع،

والدین و سایر مراقبان و اعضای خانواده، دوستان، معلمان و ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی، بلکه نهادهای تجاری این کار را از طرف آن‌ها انجام می‌دهند تا از اطلاعات شخصی کودکان استفاده کنند. در نتیجه، کودکان بیش از پیش، از طریق فناوری‌هایی مانند تلفن همراه، دستگاه‌های پوشیدنی، رسانه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای آموزشی وارد فرایند داده‌نگاری می‌شوند. داده‌های جمع‌آوری‌شده در این فناوری‌ها اغلب برای نظارت بر داده‌ها یا نظارت و ارزیابی کودکان توسط خود آن‌ها یا دیگران استفاده می‌شوند که ممکن است شامل ضبط و ارزیابی جزئیات ظاهری، رشد، سلامت، روابط اجتماعی، خلق‌وخو، رفتار، موفقیت‌های تحصیلی و سایر موارد باشد (Lupton & Williamson, 2017: 781).

مخاطرات نظارت دیجیتالی بر داده‌ها شامل سوءاستفاده تجاری یا غیرتجاری از داده‌های مربوط به کودکان و نقض حق‌های کودکان در خلال جمع‌آوری و استفاده دیگران از داده‌های مربوط به آن‌ها و نقض حریم خصوصی و امنیت داده‌هاست (Lupton & Williamson, 2017: 781). ممنوعیت نظارت دیجیتالی بر کودکان می‌تواند کاربرد تبلیغات برخط متنی^{۳۳} را به‌جای تبلیغات برخط رفتاری^{۳۴} در پایگاه‌های اینترنتی مخاطب کودکان تقویت کند (Macenaite, 2017: 771). البته الزام به شناسایی کودکان به‌منظور حذف کامل آن‌ها از هر گونه هدف‌گیری رفتاری^{۳۵}، ممکن است به جمع‌آوری بیش از حد داده‌ها از بزرگسالان منجر شود که به‌جای محافظت از حریم خصوصی و ناشناس ماندن شخص در اینترنت، می‌تواند حریم خصوصی وی را تهدید کند و مانع ناشناس ماندن او در اینترنت شود (Macenaite, 2017: 771-772).

حق حفاظت از کودک تکالیفی را بر دوش افراد قرار می‌دهد: افراد کنترل‌کننده داده‌ها، تکلیف سلبی ممانعت از جمع‌آوری غیرقانونی داده‌ها را بر دوش دارند و والدین نیز تکلیف ایجابی شرکت در فعالیت‌هایی را دارند که استیفای حقوق اساسی فرزند آنان را تضمین می‌کند، زیرا توانمندسازی بی‌شک بهترین نوع حمایت است. تمامی این موارد برای بزرگسالان هم قابل تصور است، اما سخن گفتن از کودکان بدان‌سبب اهمیت دارد که نقش والدین در تربیت شهروندان دیجیتال بسیار مهم است.

۵. صاحبان و متعهدان «حق‌ها در فضای دیجیتال»

هر گاه از حقی سخن به میان می‌آید، باید از صاحبان این حق هم سخن گفت. با توجه به متون حقوقی موجود که از «حق‌ها در فضای دیجیتال» برای کودکان یا افراد ناتوان سخن

گفته‌اند، می‌توان دریافت از منظر حقوق کشورهای غربی همه افراد حتی کودکان نیز در این زمینه دارای حق هستند، اما جنس مصادیق حق‌های کودکان یا ناتوانان با حق‌های دیگران متفاوت است؛ درحالی‌که دامنه مصادیق سایر افراد بسیار گسترده‌تر از این است.

اگر کودکان صاحب حق دیجیتال فرض شوند، طبیعتاً موضوع مدیریت حق‌ها در فضای دیجیتال برای کودکان قابل طرح نیست، مگر آنکه بتوانند در فضای مجازی به تولید محتوا یا موارد مشابه اقدام کنند. البته طبق نظریه اراده-انتخاب کودکان نمی‌توانند صاحب حق باشند، زیرا بالغ نیستند.

اگر صاحبان این حق افراد بالغ دانسته شوند، دامنه این حق می‌تواند گسترده‌تر باشد و در عین حال، برخی حق‌ها مثل حق بازی را در بر نمی‌گیرد. علاوه بر ملاحظه اشخاص حقیقی به‌عنوان صاحب حق، می‌توان اشخاص حقوقی را نیز صاحب حق دیجیتال دانست، به‌ویژه در موضوع مدیریت حق‌ها در فضای دیجیتال که امتیاز تولید یک اثر هنری یا علمی در اختیار یک شرکت است.

براساس فقه امامیه و حقوق ایران می‌توان همه افراد حتی کودکان را صاحب «حق‌ها در فضای دیجیتال» دانست، زیرا کودکان حتی پیش از تولد دارای هویت دیجیتال شده‌اند و صرفاً باید میان اهلیت تمتع و اهلیت استیفا تفاوت گذاشت و برای استیفا برخی حق‌ها شرط بلوغ و عقل را ملاحظه کرد.

با توجه به دامنه حق‌ها می‌توان متعهدان متفاوتی را برای آن تعیین کرد. دولت در بیشتر مصادیق طرف حق است، زیرا استیفا آن‌ها نیازمند اقدامات دولت است. در برخی مصادیق مربوط به کودکان می‌توان از والدین به‌عنوان متعهد حق در کنار دولت یاد کرد. البته آنان (Anonymous, 2014: 26) که این حق را در زمره حقوق بشر می‌دانند، از تکالیف افراد و صاحبان قدرت سخن گفته‌اند و تکالیف افراد را صرفاً احترام به حقوق دیگران و تکالیف صاحبان قدرت را ممانعت از تجاوز به این حقوق، احترام، حمایت و تحقق آن‌ها دانسته‌اند.

۶. نقش استیفا «حق‌ها در فضای دیجیتال» در تربیت شهروند دیجیتال

شهروندی دیجیتال^{۳۴} از مباحث میان‌رشته‌ای است که برخی آن را رفتار مناسب، هنجاری و مسئولانه در بهره‌گیری از فناوری و دارای ابعاد سه‌گانه آموزش اصول سواد رسانه‌ای، توانایی پیشگیری از مخاطرات فضای مجازی یا سایبر و توانمندسازی فعالانه افراد برای ایجاد تغییرات

مثبت در جهان برخط پیش‌رو (Güven, 2018: 32) یا توانایی تولید محتوای مفید در بستر سکویای نرم‌افزاری برای دیگران می‌دانند (Güven, 2018: 27)؛ برخی دیگر آن را روش‌های بهره‌گیری مردم از فناوری‌های دیجیتال برای مشارکت اجتماعی یا رسمیت یافتن و قانونی شدن حق‌های خاص خود توصیف می‌کنند؛ بعضی دیگر آن را مرتبط با نظارت و حاکمیت بر داده‌های مربوط به شهروندان می‌دانند (Barassi, 2018: 171). همچنین برخی آن را روشی برای آموزش جوانان در استفاده درست از فناوری می‌دانند و به ویژگی چالش‌برانگیز آن یعنی درک صحیح از استفاده درست یا نادرست و سوءاستفاده از فناوری و همچنین هنجارهای رفتاری مناسب، مسئولانه و اخلاقی مربوط به حق‌ها، نقش‌ها، هویت، امنیت و ارتباط‌های برخط اشاره می‌کنند (Güven, 2018: 64).

آموزش ایده‌آل شهروندی دیجیتال شامل آموزش مدارا و احترام، تمرکز بر منافع عمومی و تأکید بر عدالت اجتماعی است و صرف پرهیز از آسیب کافی نیست (Güven, 2018: 65) و قواعد مؤثر شهروندی دیجیتال، ضمن تعیین حدود فعالیت در فضای مجازی، توانمندسازی افراد را برای محیط برخطی در پی دارد که در آن زندگی می‌کنند (Güven, 2018: 66). بر همین اساس، آموزش استفاده مسئولانه از فناوری‌ها باید از دوران مدرسه آغاز شود، زیرا شاید دیگر موقعیتی برای دانش‌آموزان فراهم نباشد که این قواعد را بیاموزند. هدف از آموزش قواعد شهروندی دیجیتال، درک مسئولیت‌ها و فرصت‌هایی است که در فضای برخط وجود دارند. شهروندی دیجیتال از دو منظر برای هر فرد قابل تصور است: نخست، داده‌هایی که سازمان‌های دولتی و احیاناً خصوصی از فرد به‌صورت الکترونیکی ثبت و نگهداری می‌کنند و داده‌هایی که خود فرد در ارتباط با اطلاعات شخصی خود در پایگاه‌ها یا در فضای مجازی ثبت می‌کند یا والدین در مورد کودکان به‌عنوان شهروندان دیجیتال آتی، در پایگاه‌ها یا در فضای مجازی ثبت می‌کنند.

در مجموع، داده‌های موجود می‌تواند مربوط به ابعاد مختلف زندگی خانوادگی از حضور و فعالیت‌های وب‌گردی تا وضعیت مالی فرد و اطلاعات مالیاتی، ثبت آرای الکترونیک، داده‌های مربوط به خرید مصرف‌کننده یا فروش اموال، اطلاعات بانکی، مذهب، نژاد، روابط میان‌فردی، دیدگاه‌های سیاسی، تمایلات جنسی، برنامه‌های زندگی، عقاید او درباره دیگران، احساسات او مانند ترس، شوق و اشتیاق، تعداد دفعات خودکشی، اعتیاد فرد به قمار یا مواد مخدر یا قربانی

تجاوز جنسی بودن فرد و سایر جزئیات تعاملات روزمره باشد (Roberts, Barassi, 2018: 173; Roberts, 2015: 544). به‌طور خلاصه، تلفن و فراداده‌های اینترنتی ممکن است اطلاعات بیشتری را در مورد ما، نسبت به دانسته‌های نزدیک‌ترین افراد به ما آشکار کند (Roberts, 2015: 544).

شاید در ابتدا برخی از این داده‌ها با عنوان داده‌های مربوط به مصرف‌کنندگان ثبت یا جمع‌آوری شوند، اما باید دانست هنگامی که از مذهب یا قومیت یا سایر اطلاعات مشابه فرد صحبت می‌شود، به‌جای صحبت از حق‌های مصرف‌کننده باید از حق‌های شهروندی وی سخن گفت (Barassi, 2018: 173). البته مسئله اساسی حفظ و نگهداری این داده‌های محرمانه و خصوصی و در عین حال به اشتراک گذاشته‌شده هر فرد نیست، بلکه مسئله اساسی درباره نحوه گردآوری و تأثیرگذاری این داده‌ها بر زندگی شخصی افراد از طریق تجزیه و تحلیل‌ها و ارزیابی‌های بعدی است که توسط افراد دیگر صورت می‌گیرد تا برای نمونه، برخی ویژگی‌های فرد را پیش‌بینی کنند. اگرچه این تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های بعدی مبتنی بر آن، عملکرد هوش مصنوعی معرفی می‌شوند که ماشین‌ها را قادر می‌سازد تا داده‌های مختلف را از پایگاه‌های متفاوت گرد هم آورند و الگوهای فردی را ثبت کنند، باید دانست که تعاملات دیجیتالی روزمره ما اغلب توسط افرادی ثبت و پیگیری می‌شود که سعی می‌کنند رفتارهای دیگران را براساس پروفایل برخط خود آنان «بخوانند»، «نمایه کنند» و «پیش‌بینی» کنند (Barassi, 2018: 173).

در دنیای دیجیتال کنونی، دادن فرصت آگاهی و دانستن به افراد یک جامعه از کودک تا بزرگسال می‌تواند مرحله مهمی از اجتماعی شدن و آماده شدن برای شهروندی مسئولیت‌پذیرانه باشد. طبیعتاً این فرصت برای کودک بسیار حیاتی‌تر از بزرگسال است، زیرا این فرض در کودکان بهتر به ثمر می‌نشیند تا بزرگسالان. بر همین اساس، کارتر^{۳۵} معتقد است که رفاه کودک به توانایی او در استیفای حق‌های ارتباطی و اطلاعاتی به‌عنوان یکی از انواع حقوق بشر بستگی دارد. در عصر کنونی دیجیتال، اعطای فرصت به کودکان برای داشتن نگاه انتقادی و فعالانه به جهان، بخش مهمی از فرایند شکل‌گیری شهروندی است. همچنین باکینگهام^{۳۷} بیان می‌کند رسانه‌ها در روند شکل‌گیری سیاسی جوامع مدرن نقش اساسی دارند و سواد رسانه‌ای می‌تواند جایگاه بسیار مهمی در تحقق شهروندی آتی داشته باشد. شهروندی ریشه در فرهنگ‌های مدنی دارد که فراتر از اندیشه‌های سنتی سیاسی و مشارکت، محاط به فضای دیجیتال است و با آن پرورش می‌یابد (Schofield Clark & Brites, 2018: 85). دلیل این

مسئله هم بسیار ساده است، زیرا اینترنت و ابزارهای مرتبط با آن از ضروریات مشارکت افراد در امور مدنی در آینده نزدیک خواهد بود. همچنین به رسمیت شناختن حقوق افراد نقش بسیار مهمی در مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد دارد. بنابراین، اگر حقوق افراد به رسمیت شناخته نشود و آنان نیز بر این باور باشند که حقوق آنها در جامعه فاقد ارزش و اهمیت است، بعید است که در مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه خود مشارکت کنند؛ بنابراین، شهروندی دیجیتال، دوسویه‌ای میان شناسایی و استیفای «حق‌ها در فضای دیجیتال» و تکالیف شهروندان در اینترنت و رسانه‌های اجتماعی است. آنچه در این مجال می‌تواند راهگشا باشد، استیفای صحیح و شایسته حق‌های مذکور است، زیرا صرف سخن گفتن از تمتع افراد نمی‌تواند در مرحله عمل چندان کاربردی داشته باشد و از سوی دیگر، انجام مسئولانه تکالیف در فضای مجازی در صورتی تحقق‌پذیر است که فرد آگاهی لازم از حق‌ها و تکالیف خود داشته باشد و در بستر آموزش باید هم از حق‌ها سخن گفت و هم از تکالیف. پس تبیین درست «حق‌ها در فضای دیجیتال» و در پی آن مسئولیت‌های شهروندی هر فرد در فضای مجازی مرحله مقدماتی تحقق شهروندی دیجیتال است.

۷. نقش استیفای «حق‌ها در فضای دیجیتال» در تحقق دولت الکترونیک

با مروری بر مفهوم دولت الکترونیک و لوازم استقرار آن می‌توان گفت که تحقق دولت الکترونیک خود نیز نقش مؤثری در مشارکت افراد دارد و نیز یکی از ارکان دولت الکترونیک، وجود شهروندان آگاه و عالم به حق‌های خود و فناوری‌هاست. هرچند در نگاه نخست، دولت الکترونیک به معنای به‌کارگیری فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای تسهیل ارتباط میان شهروندان، سیاستمداران، سازمان‌ها، کارآفرینان و سایرین برای تحقق زندگی مدنی است، اما دامنه تعاریف ارائه‌شده از سوی بانک جهانی، یونسکو، شورای اروپا و غیره گسترده‌تر و اختلافی است. برخی دولت الکترونیک را استفاده از فناوری اطلاعات برای پشتیبانی از فعالیت‌های دولت، تعامل شهروندان و ارائه خدمات دولتی دانسته‌اند و شورای اروپا آن را استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در ادارات دولتی همراه با تغییرات سازمانی و مهارت‌های جدید به‌منظور بهبود خدمات عمومی، فرایندهای دموکراتیک و پشتیبانی از سیاست‌های عمومی می‌دانند و بانک جهانی منظور از آن را استفاده دولت از فناوری‌های اطلاعاتی (مانند شبکه‌های اینترنت و تلفن همراه) برای تعامل میان شهروندان، بازرگانان و

سایر بازوهای دولت به حساب آورده و پیامدهایی چون ارائه بهتر خدمات دولتی به شهروندان، تعاملات بهتر با تجارت و صنعت، توانمندسازی شهروندان از طریق دسترسی به اطلاعات یا مدیریت کارآمدتر دولت را برای آن برشمرده‌اند. همچنین منافع آن را فساد کمتر، افزایش شفافیت، راحتی بیشتر، بازدهی بیشتر و کاهش هزینه‌ها معرفی می‌کنند (Robertson & Vatrapu, 2010: 319) یا یونسکو آن را استفاده بخش دولتی از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی با هدف بهبود ارائه خدمات و اطلاعات، تشویق به مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری و پاسخگویی، شفافیت و کارایی بیشتر دولت می‌داند (Gil-Garcia et al., 2018: 634). بیشتر این تعاریف بر محور استفاده از فناوری و پیامدها و منافع آن تأکید دارند.

دولت دیجیتال به منزله یک پدیده شامل سبک‌های جدید حکمرانی، فرایندهای جدید تصمیم‌گیری، روش‌های متفاوت سازماندهی و ارائه خدمات و بیان مفاهیم جدید شهروندی است (Gil-Garcia et al., 2018: 634). براساس تعاریف مذکور می‌توان گفت که دولت الکترونیک، در پی تحقق دموکراسی است که پیش شرط اساسی آن استیفای «حق‌ها در فضای دیجیتال» است که می‌تواند نقش مؤثر در تربیت شهروندان دیجیتال داشته باشد. بنابراین، چالش تحقق دموکراسی دیجیتال در حقوق عمومی تنها در صورتی برطرف خواهد شد که در ابتدا استیفای حق‌های دیجیتال و سپس تربیت شهروندان دیجیتال تضمین شوند. چالش دیگر در این زمینه، چالش دموکراسی‌های پاسخگوست که فضای مجازی به سبب توسعه و گسترش سریع خود آن‌ها را پدید آورده است. در این چالش، استیفای «حق‌ها در فضای دیجیتال» جایگاه بسیار مهمی دارد، زیرا از لوازم حیاتی مطالبه‌گری مردم در عصر دیجیتال و بروز و ظهور دولت دیجیتال به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر، از لوازم تحقق دولت الکترونیک و سپس دولت دیجیتال، تحقق شهروندی دیجیتال و انجام مسئولانه تکالیف شهروندی در این عصر است. دوسویه شهروندی دیجیتال و دولت الکترونیک در صورتی محقق خواهد شد که استیفای «حق‌ها در فضای دیجیتال» توسط شهروندان میسر شود، زیرا تا بستر فراهم نباشد، اساساً شهروندی دیجیتال و دولت الکترونیک نیز محقق نخواهد شد.

با توجه به سرعت روزافزون رشد و توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، دیجیتالی شدن تمام ابعاد مختلف حکمرانی امری نه‌تنها بعید نیست، چه‌بسا مشروعیت حکومت‌ها به آن وابسته باشد. بنابراین، حکمرانی دیجیتال برای تحقق خود باید ابتدا شرایط لازم را برای

استیفای «حق‌ها در فضای دیجیتال» فراهم آورد و سپس بر تکالیف شهروندان به‌عنوان شهروندان دیجیتال تمرکز یابد و پس از آن دولت الکترونیک و سپس، دولت دیجیتال را برای محدوده مرزی خود ترسیم کند.

براساس آنچه بیان شد، باید افزود که هدف از دولت الکترونیک برقراری عدالت در ارائه خدمات است که از مقدمات آن شناسایی و استیفای «حق‌ها در فضای دیجیتال» است، زیرا زمینه گسترش عدالت را فراهم می‌آورد. دلیل این امر این است که استیفای «حق‌ها در فضای دیجیتال» بر سه رکن اساسی بهره‌مندی حداکثری، آگاهی‌بخشی و مهارت‌آموزی مبتنی است. عدالت سیاسی از انواع عدالت و نتیجه آن مشارکت مدنی و سیاسی است که در بستر اینترنت و رسانه‌های اجتماعی قابلیت تحقق دارد. برای تحقق عدالت سیاسی در اینترنت نیز لازم است ابتدا زمینه استیفای «حق‌ها در فضای دیجیتال» را فراهم آورد تا مشارکت مدنی و سیاسی نیز افزایش یابد.



شکل ۱. مدل نحوه تأثیرگذاری استیفای «حق‌ها در فضای دیجیتال» بر تحقق شهروندی دیجیتال و دولت الکترونیک

نتیجه‌گیری

با پیشرفت فناوری مسائل نوینی در علوم مختلف مطرح می‌شود و چالش‌های جدیدی پیش روی جامعه و حکومت قرار می‌گیرد. یکی از مباحث جدید، «حق‌ها در فضای دیجیتال»، مفهوم، ماهیت و مصادیق آن است. توضیح معنا، ماهیت و تعیین مصادیق حق دیجیتال می‌تواند مسیر دستیابی به شهروندی دیجیتال و در نهایت دولت الکترونیک را معلوم کند. یکی از چالش‌هایی که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی پیش روی حقوق عمومی قرار می‌دهد، چالش

تحقق مشارکت سیاسی و مدنی بر بستر این فناوری‌هاست که با استیفای «حق‌ها در فضای دیجیتال»، تربیت شهروند دیجیتال و در نهایت تحقق دولت الکترونیک ارتباط مستقیم دارد.

«حق‌ها در فضای دیجیتال» حقهایی هستند که به واسطه بستر تحقق خود در اینترنت و سکویهای نرم‌افزاری ممتاز شده‌اند و از آنجا که فضای مجازی به موازات دنیای واقعی وجود دارد، همان حق‌های دنیای واقعی در فضای مجازی نیز قابل تصورند، همچنین دارای ابعاد جدیدی است که فناوری برای آن به ارمغان آورده است. ماهیت بیشتر مصادیق «حق‌ها در فضای دیجیتال» نیز حق آمیخته به تکلیف است، زیرا استیفای این حق‌ها یک پیش‌نیاز اساسی دارد که آن هم آگاهی و دانش است. مصادیق بی‌شماری هم برای آن برشمرده است که اغلب بدون پشتوانه‌اند و برخی نیز مشروعیت ندارند. برخی مصادیق برشمرده شده، از لوازم تحقق و استیفای این حق‌ها و بعضی نیز از مصادیق حق‌های سیاسی، عمومی و در نهایت خصوصی‌اند.

شناسایی و استیفای «حق‌ها در فضای دیجیتال»، شهروندی دیجیتال و دولت الکترونیک در شاهره «کاربر» به هم می‌پیوندند. کاربری می‌تواند شهروند دیجیتال باشد که نسبت به «حق‌های خود در فضای دیجیتال» آگاه باشد و بر همین اساس نیز در دولت الکترونیک بر نیازهای او تأکید می‌شود. بر همین مبنا، در دو حوزه قانونگذاری و سیاستگذاری باید اقدامات مناسبی صورت گیرد. تصویب قانون خوب و کاربرمحور (براساس حق‌ها و نیازهای کاربران فضای مجازی) و شناسایی تمام آسیب‌ها و نقاط قوت و ضعف فضای مجازی ضروری است، زیرا تا شناسایی موضوع صورت نگیرد، صدور حکم یا به عبارتی تصویب قوانین برای آن منطقی نخواهد بود. دوم، در عرصه سیاستگذاری نیز اتخاذ بسته‌های سیاستی مناسب لازم است تا افراد جامعه بتوانند همگام با این سیاست‌ها درباره حضور و فعالیت در فضای مجازی توانمند شوند و به توانمندسازی سایر اعضای خانواده نیز کمک کنند. بنابراین، هدف از تصویب قوانین و سیاستگذاری باید آگاهی‌بخشی و توانمندسازی کاربران یا توسعه مهارت‌های دیجیتال، قاعده‌مند کردن فضای مجازی، یکپارچه‌سازی ارائه خدمات به کاربران، افزایش شفافیت در حوزه فضای مجازی، افزایش مشارکت عمومی در فضای مجازی از طریق استیفای «حق‌ها در فضای دیجیتال» و شهروندی دیجیتال، تعیین اصول و ارزش‌های حاکم بر فضای مجازی و تعیین اصول حکمرانی مجازی جمهوری اسلامی ایران و غیره باشد.

یادداشت‌ها

1. Digital Rights.

به پیشنهاد هیأت تحریریه محترم و ارجمند مجله، برای ترجمه بهتر این واژگان به جای عبارت «حقوق دیجیتال» از عبارت «حق‌ها در فضای دیجیتال» در این مقاله استفاده شده است.

2. Digital Rights Management(DRM).

3. Digital human rights.

۴. «مدیریت حق‌ها در فضای دیجیتال» فناوری مبتنی بر رمزنگاری است و مانع کپی کردن یک فایل از رایانه‌ای به رایانه دیگر می‌شود. روش دیگر هم این است که فایل‌های منتقل شده غیرقابل خواندن شود یا دیگر ارزشی برای فرد دریافت‌کننده نداشته باشد. رمزنگاری و مخلوط کردن اطلاعات سبب می‌شود که اطلاعات دیگر قابل تشخیص نباشند (Kumik, 2001: 21).

۵. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

<https://www.apc.org/en/news/coconet-what-are-digital-rights>

6. Communication and media rights.

7. DMCA.

8. The African Declaration on Internet Rights and Freedoms.

9. Declaration of Internet Governance Principles.

10. The Charter of Digital Rights.

11. Charter of Digital Fundamental Rights of the European Union.

12. General Data Protection Regulation.

13. Digital inclusion.

14. The right to use encryption.

15. Bedroom culture.

16. The right to be forgotten.

17. The right to anonymity.

18. Rights to digital participation.

19. Digital inclusion and exclusion.

20. Right to access digital publics.

21. The right of children to be heard.

22. Right to explicit protection from government surveillance.

23. Data justice.

24. The right to data control and self determination.

25. Rights to sexual expression

26. Sexual self-representation.

27. Sexual visibility.

28. Rights of protection.

29. Dataveillance.

۳۰. ایجاد پروفایل (profiling) به معنای هر گونه فعالیت پردازش خودکار داده شامل (الف) پردازش خودکار

داده‌های شخصی و (ب) استفاده از این داده‌های شخصی برای ارزیابی برخی از ابعاد شخصیتی یک فرد مانند علایق شخصی، رفتار و مکان اوست (Macenaite, 2017: 771).

31. Digitized surveillance practices.

32. Contextual advertising.

33. Behavioral advertising.
34. Behavioral Targeting.
35. Digital citizenship.
36. Carter.
37. Buckingham.



منابع

1. Albury, Kath(2017). “Just because it’s public doesn’t mean it’s any of your business: Adults’ and children’s sexual rights in digitally mediated spaces”, *New media & society*,19(5),713–725.
2. Alper, Meryl and Goggin, Gerard(2017), “Digital technology and rights in the lives of children with disabilities”. *New media & society*,19(5),726–740.
3. Anonymous(2014). Internet Rights and Principles Dynamic Coalition UN Internet Governance Forum. The charter of human rights and principles for the internet.
4. Barassi, Veronica(2018), “The Child as Datafied Citizen. Critical Questions on Data Justice in Family Life” p. 169-177 in Giovanna Mascheroni, Cristina Ponte & Ana Jorge(eds.)*Digital Parenting. The Challenges for Families in the Digital Age*. Göteborg: Nordicom.
5. Bulger, Monica & others(2017), “Where policy and practice collide: Comparing United States, South African and European Union approaches to protecting children online”, *New media & society*,19(5),750–764.
6. Gil-Garcia, JDRamon & others(2018), “Digital government and public management research: finding the crossroads”, *Public Management Review*,20(5),633–646.
7. Guven, Gabriel Conrad(2018), “The lived experiences of secondary school parents in raising responsible digital citizens in a one-to-one learning environment”. A Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Education, Liberty University.
8. Katozian, Nasser (2003), *Introduction to Law and Study the Iranian Legal System*, 37th edition, Tehran: Sahami Entrshar.
9. Kim, John Y.(2008), “The great kaleidescape: New hope in the digital rights debate”, *Temple Journal of Science, Technology & Environmental Law*,27(2),339-358.
10. Kumik, Peter(2001), “Digital rights management”, *Legal Information Management*,1(2),21-23.
11. Livingstone, Sonia and Third, Amanda(2017), “Children and young people’s rights in the digital age: An emerging agenda”, *New media & society*,19(5),657–670.
12. Ludlow Barbara L. & Duff Michael C.(2007), “Copyright Law and Content Protection Mechanisms: Digital Rights Management for Teacher Educators”, *Teacher Education and Special Education*,30(2),93–102.
13. Lupton, Deborah and Williamson, Ben(2017), “The datafied child: The dataveillance of children and implications for their rights”, *New media & society*,19(5),780-794.

14. Macenaite, Milda(2017), "From universal towards child-specific protection of the right to privacy online: Dilemmas in the EU General Data Protection Regulation", *New media & society*,19(5),765-779.
15. Redeker, Dennis and others(2018), "Towards digital constitutionalism? Mapping attempts to craft an Internet Bill of Rights", *the International Communication Gazette*, 80(4), 302-319.
16. Resnick Marc L.(2005), "Human Factors in Digital Rights Management for Consumer Products", *Proceedings of the Human Factors and Ergonomics Society Annual Meeting*,49(18),1734-1738.
17. Roberts, Andrew(2015), "Privacy, data retention and domination: Digital rights Ireland ltd v. minister for communications", *Modern Law review*,78(3),535-548.
18. Robertson, Scott P. and Vatrappu, Ravi K.(2010), "Digital government", *Annu. Rev. Inf. Sci. Technol*,44(1),317-364.
19. Schofield Clark, Lynn & Brites, Maria José(2018), "Differing Parental Approaches to Cultivating Youth Citizenship" p. 81-89 in Giovanna Mascheroni, Cristina Ponte & Ana Jorge (eds.) *Digital Parenting. The Challenges for Families in the Digital Age*. Göteborg: Nordicom.
20. Siamak, Marzieh (2009), *Digital rights Management: Opportunities and Challenges*, *Book of the Year Quarterly*, 20(77), 253-272.
21. Taylor, Linnet(2017), "What is data justice? The case for connecting digital rights and freedoms globally", *Big Data & Society*,1-14.
22. Verlos, Natalia(2020), "Constitutionalization of digital rights: Domestic practice and foreign experience", *Law Review of Kyiv University of Law*,(2),129-133.